

مختصر در باب حاکمیت قوانین مدنی ایران

خلاصه بحث:

قوانین ایران ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی [۱] در مورد دو دسته از مردم حاکم هستند:

دسته اول - کلیه ی ساکنین ایران اعم از ایرانی و خارجی [۲].

دسته دوم - کلیه ی اتباع ایرانی اعم از ساکن ایران یا خارج از ایران.

ساکنین ایران در یکی از این چهار گروه قرار می گیرند:

(۱) ایرانی هستند و مذهبشان شیعه است.

(۲) ایرانی هستند و مذهبشان شیعه نیست و جزو مذاهب رسمی هم نیست.

(۳) ایرانی هستند و مذهبشان شیعه نیست ولی جزو مذاهب رسمی [۳] است.

یعنی یا مسلمان غیر شیعه هستند یا زرتشتی، مسیحی و کلیمی (یهودی) هستند.

(۴) خارجی هستند.

مجموعه ی افراد این چهار گروه از نظر حاکمیت قانون در سه دسته قرار می گیرند:

الف- گروه ۱ و ۲ از هر جهت تحت حاکمیت قوانین ایران هستند.

ب- گروه ۳ فقط از سه جهت تحت حاکمیت قواعد و عادات مسلم و متداوله در مذهب خود هستند [۴]:

اول- ارث دوم- نکاح و طلاق سوم- فرزند خواندگی

ج- گروه ۴ در امور راجع به احوال شخصیه و اهلیت و ارث تابع قانون دولتی که تبعه ی آن هستند می باشند [۵].

نکته ها:

(۱) اصل بر این است که همه ی ساکنان ایران تحت حاکمیت قوانین ایران هستند. بنا بر این اثبات اینکه کسی از شمول حاکمیت قوانین ایران خارج است بر عهده ی ذینفع می باشد و باید به دادگاه دلیل ارائه کند. ذینفع در اینجا اعم از خواننده یا خواهان است.

(۲) ساکنان ایران اعم از کسانی است که در ایران اقامت دارند، قوانین ایران در مورد کسانی که در ایران اقامتگاه هم نداشته باشند حاکم است.

(۳) بحث حاکمیت قوانین با صلاحیت دادگاه های ایران متفاوت است و دادگاه های ایران صالح به رسیدگی به هر امری که در محدوده ی صلاحیتشان ارجاع شود می توانند رسیدگی کنند حتی اگر هر دو طرف خارجی و منشا دعوا هم در خارج از ایران باشد. و در موارد استثنائی حکومت قانون خارجی یا عادات مسلم سایر مذاهب و ادیان هم دادگاه های ایران رسیدگی و به استناد همان ها حکم صادر و اجرا می کنند.

(۴) حکم استثنائی اصل دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی فقط شامل ایرانیان مسلمان غیر شیعه و ایرانیان زرتشتی، مسیحی و یهودی می شود. و مثلاً اگر یک نفر ایرانی بودایی یا وابسته به فرقه ی ضاله بهائیت باشد شامل این استثنا نمی شود و تابع حکم عمومی ماده ی ۵ قانون مدنی و قوانین عادی مانند ایرانیان شیعه بر احوال شخصیه و ... آنها حاکم خواهد بود و عادات و رسوم دین آنها قابل توجه نیستند.

(۵) در مورد ساکنان ایران که تبعه ی دولت های خارجی هستند بدون توجه به دینشان قوانین دولت متبوعشان در امور راجع به احوال شخصیه (ازدواج و طلاق و نسب و ...)، ارث و اهلیت توسط دادگاه های ایران اعمال می شود. و مثلاً اگر یک نفر تبعه ی پاکستان مذهب شیعه هم داشته باشد باز هم قانون دولت پاکستان در این سه مورد در مورد او اعمال می شود.

(۶) با توجه به حکم ماده ی ۹۶۱ قانون مدنی [۶]، حکم ماده ی ۷ از قواعد آمره به نظر می رسد.

(۷) نکته ی بسیار مهم در بحث حاکمیت قانون مسئله ی اهلیت است، اصولاً اهلیت خارج از احوال شخصیه به مفهوم خاص است و فقط در ماده ی ۷ قانون مدنی و در مورد اتباع خارجی ساکن ایران به مسئله ی اهلیت تصریح شده است و قانون ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ... به مسئله ی اهلیت اشاره ای نکرده است. بنا بر این همه ی افراد تبعه ی دولت ایران با هر مذهبی از حیث اهلیت تابع قوانین ایران هستند.

۸) حکم ماده ی ۹۶۲ قانون مدنی [۷] استثنا بر ماده ی ۷ است.

۹) اصولاً فرزندخواندگی در قوانین ایران مجاز شناخته نشده است، و فقط در قانون ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ... به آن تصریح شده است. بنا بر این فقط اتباع ایرانی که دارای مذهب غیر شیعه هستند و به رسمیت شناخته می شوند، یعنی مسلمانان غیر شیعه و زرتشتیان و مسیحیان و یهودیان، اگر در قواعد و عادات مسلمة و متداوله در مذهبشان فرزندخواندگی مجاز باشد در ایران می توانند فرزند خوانده داشته باشند. افراد غیر ایرانی با هر دین و مذهبی حتی اگر فرزندخواندگی در قواعد و عادات مسلمة و متداوله در مذهبشان تجویز شده باشد چون در موردشان تصریحی در قانون وجود ندارد تحت حکم کلی ماده ۵ قانون مدنی نمی توانند در ایران فرزندخوانده داشته باشند.

۱۰) طبق قانون ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ... ایرانیان غیر شیعه فقط در سه مورد تابع قواعد و عادات مسلمة و متداوله در مذهبشان خواهند بود که در مورد حقوق ارثیه قواعد مذهب متوفی، در مورد نکاح و طلاق قواعد مذهب شوهر و در مورد فرزندخواندگی قواعد مذهب پدر یا مادر خوانده حاکم خواهد بود.

۱۱) در جایی که از تبعیت نکاح، طلاق، ارث و وصیت و ... از قوانین خارجی یا عادات و قواعد مسلم صحبت می کنیم فقط این امور از جنبه ی ماهوی خارج از حاکمیت قوانین ایران قرار می گیرند و هم از جهت مقررات شکلی (آیین دادرسی) و هم از نظر شکل تنظیم تحت حاکمیت قوانین ایران خواهند بود، مثلاً اگر وصیتنامه ی یک ایرانی مسیحی طبق قوانین ایران صحیحاً تنظیم نشده باشد قابل اجرا نخواهد بود.

زیر نویس ها:

[۱] ماده ۲ قانون مدنی: "قوانین، پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است مگر آن که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد."

[۲] ماده ۵ قانون مدنی: "کلیه ی سکنه ایران، اعم از اتباع داخله و خارجه، مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد."

[۳] اصل دوازدهم قانون اساسی: "... مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب."

اصل سیزدهم قانون اساسی: "ایرانیان زرتشتی، کلیبی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل میکنند."

[۴] قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم ماده واحده مصوب ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۲- نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد به طریق ذیل رعایت نمایند:

- ۱- در مسایل مربوطه به نکاح و طلاق عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.
- ۲- در مسایل مربوطه به ارث و وصیت عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.
- ۳- در مسایل مربوطه به فرزندخواندگی عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

[۵] ماده ۷ قانون مدنی: "اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود."

[۶] ماده ۹۶۱ قانون مدنی: "جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود: ۱- ... ۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه خارجه آن را قبول نکرده است ..."

[\[۷\]](#) ماده ۹۶۲ قانون مدنی: “تشخیص اهلیت هر کس برای معامله کردن بر حسب قانون دولت متبوع او خواهد بود مع ذلک اگر یک نفر تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد در صورتی که مطابق قانون دولت متبوع خود برای انجام آن عمل واجد اهلیت نبوده و یا اهلیت ناقصی داشته است آن شخص برای انجام آن عمل واجد اهلیت محسوب خواهد شد در صورتی که قطع نظر از تابعیت خارجی او، مطابق قانون ایران نیز بتوان او را برای انجام آن عمل دارای اهلیت تشخیص داد. حکم اخیر نسبت به اعمال حقوقی که مربوط به حقوق خانوادگی و یا حقوق ارثی بوده و یا مربوط به نقل و انتقال اموال غیر منقول واقع در خارج ایران می باشد شامل نخواهد بود.”